

پیشگفتار

نهادهای عام المنفعه و با اهمیت «وقف» و مقررات حاکم بر آن از معدود تأسیسات حقوقی و فقهی است که افراد جامعه در سطوح مختلف، مانند فرهیختگان دانشگاه و متصدیان امر قضا و دانشجویان و طلاب و ادارات اوقاف و متصدیان موقوفات و منتفعان از آنها هر یک به نوعی با آن سروکار دارند. از طرفی احساس می‌شود که تألیفات فقهی و حقوقی و مجموعه‌های قوانین با همه اهمیت و تنوع آنها کاملاً جوابگوی مشکلات عملی در اجرای مقررات این نهاد عظیم نیست. لذا این جانب تسوید کننده این اوراق که سالیانی است به امر قضا و تدریس حقوق اشتغال دارم، بر آن شدم تا نوشته‌ای تنظیم کنم که در عین اختصار، جامع بوده و برای تمام سطوح به ویژه به عنوان معین جهت درس حقوق مدنی 2 دانشجویان دانشکده‌های حقوق قابل استفاده باشد. در این راستا از کلیه مقرراتی که از حدود نود سال قبل تاکنون وضع گردیده اعم از قوانین و آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری بهره‌گیری شده و بعلاوه نظرات شورای نگهبان و فقهای امامیه و فتاوی آیات عظام و عقاید حقوقدانان و فقهای عامه بررسی شده است. امید است این تألیف مختصر که به روان پاک واقفین و نیکوکاران سلف اهدا می‌گردد، خدمتی هر چند ناچیز برای اشاعه این سنت سنّیه باشد. در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از زحمات آقایان محمدطاهر چهارجوی، رضا وحدتی، رضا ارغیانی و حمیدرضا حیدریان که ویرایش، نمونه‌خوانی و بازنگری، آماده‌سازی و حروفچینی این اثر را برعهده داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

مؤلف

گفتاری پیرامون چاپ دوم

بنام خدا

اخیراً مدیریت محترم بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی به اینجانب فرمودند که به مناسبت کنگره وقف لازم است که کتاب وقف تجدید چاپ شود و اینجانب بلحاظ این که نسخ چاپ اول نایاب شده بود و بعلاوه در فاصله چاپ اول تاکنون تغییراتی در قوانین و مقررات رخ داده بود که ایجاب می‌کرد اصلاحاتی در کتاب به عمل آید، لذا با قبول پیشنهاد معظم‌له، اصلاحاتی در کتاب بعمل آمد و برای تجدید چاپ آماده شد. خداوند را برای توفیقی که حاصل شد شکرگزارم.

مؤلف

مقدمه

1- وقف صورت خاصی از حق انتفاع به معنی عام کلمه است. ماده 29 قانون مدنی می‌گوید: «ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: 1- مالکیت (اعم از عین یا منفعت) 2- حق انتفاع 3- حق ارتفاق به ملک غیر». حقوق سه گانه مذکور در این ماده از اقسام حقوق عینی است و حق مالکیت به لحاظ انطباق حق بر موضوع آن کامل‌ترین حق عینی می‌باشد.

غیر از سه قسم حقوق عینی که در این ماده آمده است حقوق عینی دیگری نیز وجود دارد که اهم آنها به شرح زیر است: 1- حق مرتهن بر مورد رهن (ماده 780 ق.م.) 2- حق وثیقه‌گیر بر مورد وثیقه (ماده 146 قانون آیین دادرسی کیفری جدید) 3- حق بستانکار بر مورد معامله شرطی در معاملات با حق استرداد (ماده 34 مکرر قانون ثبت) 4- حق بستانکاران بر اموال تاجر ورشکسته (مواد 418 و 423 قانون تجارت) 5- حق اشخاص ذی نفع بر اموال بازداشت شده به نفع آنان (ماده 56 قانون اجرای احکام مدنی) 6- حق بستانکاران بر مالی که به زیان آنها وقف شده است (ماده 65 ق.م.) 7- حق طلبکاران بر ترکه متوفی که قانونگذار فرض وثاقت عام در مورد آنها کرده است (ماده 871 قانون مدنی و ماده 229 قانون امور حسبی)؛ 8- حق تحجیر در مورد احیای اراضی موات (ماده 142 ق.م.) 9- حق شفیع بر مورد شفعه (ماده 816 ق.م.) 10- حق بایع بر فسخ بیع (ماده 460 ق.م.)؛ و غیره.

2- در تعریف حق انتفاع به معنی عام، ماده 40 قانون مدنی می‌گوید: «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاص ندارد استفاده کند» که به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

الف - در مورد اموالی که مالک خاص دارد علاوه بر وقف، صور دیگری نیز از حق انتفاع در مقررات مدنی آمده است که عبارت است از: 1- حبس مطلق (ماده 44 ق.م.) 2- حبس مؤبد (ماده 3 قانون اوقاف مصوب 1313 و ماده 37 آیین‌نامه قانون ثبت املاک) 3- عمری (ماده 41 ق.م.) 4- رُقبی (ماده 42 ق.م.) 5- سکنی (ماده 43 ق.م.).

ب - در مورد اموالی که مالک خاص ندارد، مسأله به عنوان حق انتفاع از مباحات مطرح شده است (ماده 92 ق.م.).

پس از ذکر مقدمه فوق، مطالب مربوط به نهاد حقوقی وقف در سه عنوان مطرح می‌شود: (1) ماهیت وقف؛ (2) اداره وقف؛ (3) پایان وقف.